



۱۸

سوسیالیسم امروز

۷ اکتبر ۲۰۱۷ - ۱۵ مهر ۱۳۹۶

S_zijji@yahoo.se

سرمدیه: سلام نیربجی

**گفتگوی نشریه سوسیالیسم امروز
با صحرا صالحی
در باره شرایط تحصیلی در دانشگاه‌های ایران**

صفحه ۳

**اعدام ابزار طبقه حاکمه و ارتجاع
برای مرعوب کردن شهروندان**

صفحه ۴

**کودکان کار و خیابانی، لکه ننگی بر پیشانی
کارگزاران جمهوری اسلامی**

صفحه ۶

عوامل‌های بیداری در مقابل دین

صفحه ۷

**بیرحمانه‌ترین هجوم مواد مخدر "گل" به
جوانان در شهر سنندج**

صفحه ۸

**در ده‌ها شهر به مناسبت روز معلم روز ۱۳ مهر
تجمعات اعتراضی برپا شد**

صفحه ۱۱

**پیام تسلیت حزب سوسیالیست انقلابی
به مناسب جانباختن کارگر مبارز
محمد جراحی**

صفحه ۱۰

**منشور دولت
کوردستان مستقل**

صفحه ۸



**نشست
شورای
رهبری حزب
سوسیالیست
انقلابی ایران**

در تاریخ هشتم مهر ۱۳۹۶ برابر با اول اکتبر ۲۰۱۷ سومین نشست شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی با شرکت اکثریت اعضای آن برگزار شد.

دستورهای این نشست عبارت بودند از:
۱- گزارش و ارزیابی از عملکرد حزب در فاصله دو نشست، ۲- تبلیغات حزب، ۳- مکانیزم‌های سیاسی-اجتماعی مبارزه و گسترش فعالیت حزب در داخل ۴- اولویتهای کنونی حزب و نقش رهبری و انتظارات از آن ۵- رفواندم در کردستان عراق، پیامدهای آن، سیاست اصولی و مرزبندیهای سوسیالیستی-طبقاتی کدامند؟ ۶- تصمیم‌گیری در باره پرچم رسمی حزب ۷- و تصمیم‌گیری در باره چند موضوع حزبی.

شورائی رهبری حزب ضمن ارزیابی مثبتی از روند پیشرفتهای تاکنونی حزب بر کمبودهای، از جمله به کار نه افتادن انرژی و پتانسل بخش قابل توجهی از حزب انگشت گذاشت. شورای رهبری حزب همچنین بر ضرورت ایفای نقش موثرتر بخشی از کادرها و دستداران خود در تشکیلاتهای مخفی حزب در سطح کشور تاکید نمود. در مبحث مکانیزمهای مبارزه سیاسی-اجتماعی، جوانب مختلف گسترش فعالیت‌های حزب در داخل کشور مورد بحث قرار گرفت.

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

پرچم حزب سوسیالیست انقلابی ایران



در عرصه کار تبلیغی، نشست شورای رهبری بر تمرکز هر چه بیشتر حول سیاستهای مصوب و سوسیالیستی حزب و تبدیل آن به پرچم کارگران و مبارزین و مردم آزادیخواه پای فشرد و آنرا رمز پیشروی حزب سوسیالیست انقلابی و مبارزه کارگری و آزادیخواهی علیه جمهوری اسلامی ارزیابی نمود. نشست شورای رهبری همچنین حول سازمان دادن برخی ابتکارات و ابزارهای تبلیغی جدیدتر و قابل دسترس تر کردن رهبری حزب تبادل نظر کرد.

در باره موضوع مربوط به رفراندوم و استقلال کردستان عراق، شورای رهبری حزب ضمن تأیید مواضع رسمی و اصولی و سوسیالیستی تاکتونی حزب، که در سه شماره نشریه سوسیالیسم امروز منتشر شده است، از پاره ای برخورد و سیاست های ناسیونالیستی در پوشش چپ و کمونیزم از جانب برخی نیروهای چپ ایرانی و همچنین برخی تبلیغات و هیاهوی مضر و عقب مانده ناسیونالیستی از جانب نیروهای ناسیونالیستی و بخشی از جامعه در این پروسه نقد جدی داشت. در این زمینه رهبری حزب بر ضرورت شکل گیری آلترناتیو و راه حل سوسیالیستی و مترقی و بدون اتکا به رهبری احزاب حاکم در کردستان عراق، و با پرهیز از هر شکلی از تبلیغات مسموم ناسیونالیستی از جانب توده مردم زحمتکش، و تلاش متحدانه در جهت به سر انجام رساندن پروسه استقلال به نفع توده های کارگر و زحمتکش و قطب سکولار و چپ جامعه، و ضرورت فوری همبستگی توده های زحمتکش در کشورهای منطقه علیه سیاستها و تهدیدهای دولتهای سرکوبگر "خودی" بیش از پیش تأکید نمود.

نشست شورای رهبری حزب در بخش دیگری از مباحث خود، ضمن پاره ای تصمیم گیری حزبی، طرح پرچم رسمی حزب را نیز با اتفاق آرا حاضرین در نشست تصویب کرد. بدین ترتیب پرچمی که آرم حزب در وسط آن قرار گرفته است، به عنوان پرچم حزب سوسیالیست انقلابی ایران، همراه با اطلاعیه پایانی نشست سوم شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.

شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران

۱۴ مهر ۱۳۹۶

۶ اکتبر ۲۰۱۷

تماس با حزب

Iransocialist2017
@
gmail.com

Www.simroz.org

ادامه گفتگوی نشریه سوسیالیسم امروز با صحرا ...

تغییر به شدت و اکنش نشان میدهد و سعی در سرکوب کردن دارد. امید را که همیشه باید داشت برای دست یافتن به آینده بهتر و برای تغییر اوضاع نامساعد کنونی خصوصا برای ما دخترها و زنان در مراکز آموزشی و بیرون آن، اما باید کار بسیار زیادی صورت بگیرد، از جمله راهکار و سیاست و نفوذ قوی در میان دانش آموزان و دانشگاہیان به وجود آورد. خیلی ها به این وضع ناراضی هستند اما نمی دانند چگونه باید عمل کنند.

با شروع فعالیتهای حزب سوسیالیست انقلابی و تلاش و تأکیدات آنها و توجه خاصی که به نسل جوان دارند امیدوارتر شده ایم که گامی در تقویت آگاهی و تلاشی برای به تحرک در آمدن جوانان بر داشته شود. فکر میکنم در نهایت تنها از طریق سرنگونی رژیم اسلامی و جایگزینی یک نظام غیر دینی و متکی به علم و دانش و خوشبختی از این همه معضلات خلاصی پیدا میکنیم. چرا که بدون تامین یک آینده بهتر برای جوانان، آینده بهتری را برای کل جامعه هم نمیتوان بدست آورد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گفتگوی نشریه سوسیالیسم امروز با صحرا صالحی در باره شرایط تحصیلی در دانشگاه‌های ایران

سوسیالیسم امروز: سال تحصیلی جدید شروع شد. به عنوان یک دختر جوان تحصیل کرده نگاهتان به پدیده آموزش و پرورش در ایران چگونه است؟

صحرا صالحی: از نظر من نظام آموزشی ایران بسیار نادرست است و بیشتر جوانها به سوی بی سواد یا دقیقتر بگویم کم اطلاعی از دانش و دستاوردهای پیشرفته جهان امروز پیش میروند. سیستم آموزشی به جای اینکه به تقویت درس های تخصصی و رشته های علمی بپردازد بیشتر به ترویج ادیان و مذهب و خرافات می پردازد و مردم را خرافاتی بار می آورند.

از یک کتاب ۶۰۰/۵۰۰ صفحه ای یک جزوه ۳۰ صفحه ای برای دانشجو تدریس میکنند که فاقد کمترین ارزش عملی و آموزندگی است. هیچی از آن نمی توانیم یاد بگیریم چون از پایه ضعیف هستند. هر فرد علاقمند به کسب علم و دانش ناچارا باید فردی اقدام نماید طوری که علاوه بر تقبل هزینه های سنگین دانشگاهی هزینه اضافه دیگری را نیز برای کلاسهای خصوصی باید متقبل و پرداخت کند. از اینرو بخش عمده کسانی که به طبقه کارگر و زحمتکش جامعه تعلق دارند، با وجود علاقه و زمینه های که دارند متأسفانه از ادامه تحصیل باز می مانند چون توان اقتصادی آنها را ندارند.

امروزها دانشگاه صرفاً برای ارتقا مدرک است.

کمتراکسی از روی علاقه و هدفمند در این دوره انتخاب رشته میکند، بیشتر به خاطر کار پیدا کردن انتخاب رشته می کنند و سعی میشود هر طوری شده مدرکی برای دست یابی به کاری بدست آورده شود. وقتی انسان بنا به تمایل و انتخاب خودش و با برخوردار نبودن از امکانات اقتصادی لازم نتواند با علاقه مندی تحصیلش را به پایان ببرد هم از خواندن و یاد گیری باز خواهد ماند و هم از بدست آوردن کار مناسب برای تامین زندگی اقتصادی خود. بنابر این اکثرا دچار مشکل میشوند.

سوسیالیسم امروز: موانعهای سر راه شما، اعم از دختر و پسر در مراکز آموزشی چه هستند؟ از نظر شغلی و امنیت اقتصادی آینده ای برای دوران بعد از پایان تحصیل در چشم انداز هست؟ اگر نه چرا؟

صحرا صالحی: حتما اطلاع دارید که تا مرحله دانشگاه مدارس ما دختران با پسرها جدا شده است. در دانشگاه دختر و پسر بعد از ۱۲ سال تحصیلی که جدا از هم بودند یکدفعه وارد یک محیط مشترک میشوند که از خیلی نظر خیلی برایشان سخت است بخصوص ترم اولی ها چون از کودکی هیچ شناختی نسبت به هم نداشته و در برخورد باهم کاملاً بی ارتباط هستند که این علاوه بر بروز مشکلات زیاد عواقب عاطفی بسیاری نیز به دنبال دارد. به دلیل همین جدا سازیهای غیر انسانی و اسلامی در نظام آموزشی ایران هر دو طرف، دختر و پسر، با بحراناها و فرهنگهای متفاوت وارد محیط

ترویج دهیم تا افکار مردم تغییر کند و این تغییر عواقب خود را دارد. این تغییرات باید بسیار چشمگیر باشد، بخصوص در میان فرهنگیان. چون آنها گزینش شده وارد عرصه کار دولتی شده اند.

گزینش در ایران از روی سطح سواد و اطلاعات روز او نیست بلکه گزینش در ایران با این سوالات و مصاحبه تعیین و به نتیجه میرسد: فامیل و دوست آشنا در خارج از کشور دارید؟ بله یا خیر. خود به خارج از کشور سفر کرده ای؟ کدامین کشور و دلیل؟ مسلمان هستی یا نه؟ نماز میخوانی؟ نماز ایات چگونه است؟ نماز میت چگونه است؟ در بسیج عضو هستی یا نه؟ و اگر بسیج نباشی تحت اجبار عضو بسیجت میکنند، که بله امتیازات خود را دارد در ارتقا گرفتن شما! خودشان مردم را عمداً به این مسیر سوق میدهند. و جوانان به دلیل نداشتن امید به آینده کاری اصلاً شوق درس خواندن و باسوادی ندارند چون ایران فقط با پارتی بازی و بسیج فعال بودن و خانواده شهید و جانباز بودن کار میدهد نه میزان دانش و تلاش و سواد!

متأسفانه جمهوری اسلامی از راهای مختلف به ویژه از طریق همین نظام آموزشی مذهبی اش این افکارها و موانعها را در میان مردم و بخش زیادی دانشجویان نیز به وجود آورده است. حاکمیت میداند اگر مردم باسواد و آگاه باشند رژیم با جنگ داخلی روبه رو خواهد شد و به همین دلیل با این ادامه در صفحه ۲

سوسیالیسم امروز: در پاسخ به سوالهای قبلی به موانعها و مشکلاتی اشاره داشتید. اما چکار باید کرد؟ نسل شما که چندین میلیون دانش آموز و دانشجوی هستید چه راهی برای تلاش مشترکتان وجود دارد برای مقابله با معضلات مشترک تان؟ آیا اصولاً در سایه جمهوری اسلامی امیدی برای بهبودی شرایط به نفع شما دختران و پسران تحصیل کرده وجود دارد؟

صحرا صالحی: این مشکلات بسیار ریشه دار هستند و یک تغییر اساسی میخواد. ابتدا باید از خودمان شروع کنیم سپس

اعدام ابزار طبقه حاکمه و ارتجاع برای مرعوب کردن شهروندان

(روز دهم اکتبر، ۱۸ مهر، را به روز جهانی علیه اعدام تبدیل کنیم)

سلام زیجی



به همین دلیل مقام نخست آدمکشی و سطح اعدامها را در جهان نصیب خود کرده است. این حکومت با اعدام و قلداری، بطور هدفمند ترس و ارعاب را به جامعه تزریق میکند. این رژیم که خود مرکز تولید مواد مخدر است، عامل تجاوز اسلامی به دختر بچه ها است، عامل روانی کردن مردم است، عامل فقر و فساد و دزدی است، نباید پروپاگاندا حول دلایل اعدام کردن هایش هیچ انسان شرافتمندی را متقاعد کرده و فریب بدهد.

علاو بر آن، آمار اعدام های سیاسی در این حکومت در دنیا کم نظیر است. از جمله: اعدام به خاطر بی خدا بودن، به خاطر سکس غیر مجاز، به خاطر مشروب خوردن، به خاطر کمونیست بودن و آزاد اندیشیدن و آزادانه عمل کردن، به خاطر به طنز کشیدن خدا و پیغمبر و رهبر شان، به خاطر همجنس باز بودن، به خاطر پاره کردن قرانشان، به خاطر مبارزه برای آزادی زن، به خاطر ایجاد تشکل کارگری و اعتراض سیاسی و اجتماعی راه انداختن و... در این حکومت جاری و "قانونی" است. در نتیجه نه تنها نباید پروپاگاندا "اعدام قاچاقچیان" و متجاوز کنندگان" و دیگر زمینه سازیهای این رژیم را قبول کرد

هیچ ربطی به "رنگ" و "ملیت" ندارد، منتسب کردن زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام به "کرد" و "فارس" و "بلوچ" و "ترک" و "عرب" اشتباه محض است.

کسی که این اسامی و بر چسب ها را برجسته و علم میکند به اندازه نفس اعدام کردن انسانها مخرب و ضد انسانی عمل کرده است. این روایت که متأسفانه بعضاً از زبان این و آن نهاد "حقوق بشری" یا حزب و جنبش قومی و مذهبی طرح میگردد به جنبش علیه اعدام آسیب میرساند و در راستای کمک به تداوم اعدام بخشی از محکومین به اعدام، و سکوت در مقابل بخش دیگری میباشد. در چنین حالتی امکان اعتراض کل مردم ایران به این پدیده وحشیانه را تضعیف و حتی منتفی میکنیم.

مجازات اعدام برای کیفر دادن قاتل نیست. اعدام ابزار هر طبقه و دولتی بوده که خواسته از مجرای اعدام مردم را به اطاعت خود در بیاورد، همیشه و در طول تاریخ چنین بوده است. هر نظامی که بیشتر با مردم بیگانه باشد، از مردم بیشتر بترسد، نظامی نباشد که باانتخاب آزادانه مردم سر کار آمده باشد، نظامی استبدادی، اسلامی و قرون وسطی باشد، بدون اعدام و ارعاب امکان حفظ قدرت و حاکمیتش را نخواهد داشت، جمهوری اسلامی سبیل چنین حاکمیت جنایتکارانه و منزوی و بی ربط به جامعه است.

سرکوب و استثمار است. مقابله با اعدام و پایان دادن به آن امر مهم این جنبشها و انسانهای آزادیخواه و بیشمار است که میتوانند متحدانه علیه آن به میدان بیایند.

با مجازات اعدام کردن هیچ جنایت و جرمی در جامعه کاهش نخواهد یافت، همچنانکه در ایران بیش از چهار دهه جنایت و اعدام کردن های این حکومت هیچگاه منجر به کاهش جرم و جنایت و بزهکاری نشده است. بر عکس، با اجرا حکم اعدام از جانب دولت، که یک قتل عمد محسوب میشود، و تبدیل پدیده اعدام به نرم در جامعه، خشونت و جنایت و جرم و قتل بیش از پیش گسترش خواهد یافت، همچنانکه در ایران متأسفانه چنین شده است. شرارت و جنایت و توسل به قتل افراد از جانب بخشی از مردم مستقیماً ناشی از اعمال خشونت و آدمکشی دولت و انعکاسی از ماهیت و عملکرد نظامی است که بر پایه خشونت، کشتار، ظلم، فساد، جنایت، نابرابری و زورگویی به حاکمیت خود ادامه میدهد و خود را به مردم تحمیل کرده است.

مجازات اعدام، با هر بهانه و دلیلی باشد جنایتکارانه است و باید محکوم شود و متوقف گردد. مخالفین اعدام، اگر مخالفین راستین اعدام هستند، نباید بر چسب "ملیت" و "نژاد" و "جنسیت" و غیره به محکومین به اعدام بزنند. اعدام انسان جنایتکارانه است!

روز دهم اکتبر، برابر با ۱۸ مهر هر سال، روز اعلام مبارزه علیه پدید شنیع اعدام است. در چنین مناسبتی جا دارد جهان متمدن علیه چنین پدیده ضدانسانی و وحشیانه دوره قرون وسطی به میدان بیاید. به ویژه جا دارد که در ایران تحت حاکمیت رژیم اعدام جمهوری اسلامی جنبش نه به اعدام به یکی از فعالترین جنبشهای سیاسی و اجتماعی و متمدنانه تبدیل گردد.

چرا اعدام؟ چرا تداوم این پدیده شرم آور در اوج دنیای مدرن سرمایه داری و در قلب جهان "دمکراسی"؟ اعدام قرار است به چه مسائل گرهی نظام های حاکم کنونی پاسخ بدهد که همچنان در اکثریت کشورهای جهان امروز بساط چوبه های دار و تیرباران و گردن زدن های وحشیانه و اشکال متنوعی از شکل اعدام بطور 'عادی' و قانونی همچنان پا برجا است؟

واقعیت این است که اعدام ابزار طبقه حاکمه برای مرعوب کردن شهروندان است. همه طبقات ظالم و متکی به نظم سرمایه داری و ایدئولوژی ناسیونالیستی و فاشیستی و مذهبی در جامعه به اعدام بطور کلی و اعدام و سرکوب مخالفین خود بطور اخص نیاز دارند. اما مخالفت با اعدام امر مردم و طبقه و جنبشی است که آرمانش برابری انسانها و هدفش طرد کردن و منزوی کردن موافقین و عاملین آن و پایان دادن به نابرابری و

این رژیم ماشین سرکوب و اعدام را به ابزار برای به سکوت کشاندن و بریدن زبان اعتراض به این همه جنایت و ستم و تحقیر و به قهقرا بردن جامعه لازم دارد.



وقتی با نقشه و برنامه ریزی آگاهانه تدارک یک قتل عمد، در قالب جنایتکارانه "اعدام" رامیبیند و آنرا "عدالت" می نامد، هزار برابر مخربتر و جنایتکارانه تر از کسی عمل میکند که در موقعیت فردی دست به هولناکترین جنایتها میزند. انعکاس مخرب مجازات اعدام، و سنکسار و حلق آویز کردن مردم و نمایش دادن آن در ملا عام و درپیش چشم کودکان و جوانان نه تنها جامعه را بیمار میکند که عامل باز تولید و گسترش آگاهانه خشونت اجتماعی، انتقام و قتل و خونریزی و سنگدلی خواهد بود و حس و خصلت انسانی را در جامعه به شدت تضعیف میکند. پدیده مخربی که جمهوری اسلامی به درجه ای از این طریق به بخشی از مردم تزریق کرده است.

اگر به میدان بیاییم میتوانیم این رژیم اعدام را افسار بزنیم. به هر بهانه ای اعدام یک پدیده هولناک و جنایتکارانه و ننگ آور است. حزب سوسیالیست انقلابی، طبقه کارگر ایران، زنان و صف آزادیخواهان، و بشریت متمدن در پایان دادن به مجازات شنیع اعدام ذینفع هستند. برای توقف آن متحدانه به میدان بیاییم و به سوی سرنگونی انقلابی یکی از منفورترین دولتهای آرمکش و اعدام کننده تاریخ، جمهوری اسلامی ایران، گام جدی برداریم.

این رژیم ماشین سرکوب و اعدام را به ابزار برای به سکوت کشاندن و بریدن زبان اعتراض به این همه جنایت و ستم و تحقیر و به قهقرا بردن جامعه لازم دارد.

توقف ماشین کشتار و اعدام این حکومت جنایتکار وظیفه ما است. مقابله با آن، اعتراض متحدانه علیه آن، ویران کردن چوبه های دار بر سربرگذار کنندگان آن، تف کردن به روی تماشاجیان الله اکبر گوی صحنه های اعدام، بخش تفکیک ناپذیری از مبارزه انسانی، سیاسی و آزادیخواهانه علیه کلیت این نظام فاشیستی است که از روز اول با کشتار دهها هزار نفری زندانیان و مخالفین خود سر کار آمده است. شما میدانید که زندان و آدم کشی و اعدام حربه هایی به منظور تداوم عمر ننگین حاکمیت اسلامی و ابزار ضد انسانی به تمکین کشاندن شما کارگران و زنان و مردم تشنه آزادی و برابری و رفاه است.

هر فردی که از سر استیصال و بیماری و شرایط روانی و جنون آمیز و ناگهانی و تحت هر شرایطی به هر دلیلی مرتکب قتل و جرم میشود، نباید با "اعدام"، در واقع با قتل برنامه ریزی شده و آگاهانه متقابل دولت و قوه قضایه آن پاسخ بگیرد. اگر دولتی مسئله اش واقعاً اجرای عدالت و کمک به تامین جامعه مبتنی بر آسایش و رفاه شهروندان و پایان و یا کاهش دادن جرم و جنایت در جامعه باشد به جای اعمال خشونت به مراتب وحشتناکتر متقابل، راهای متعدد دیگری برای تنبیه یا اصلاح فرد مرتکب قتل و مجرم در نظر میگیرد. اما وقتی دولت و طبقه حاکمه بقا خود را در اعمال زور، اجرای اعدام و سرکوب و زندان مردم و مخالفین و ایجاد ترس می بیند،

خیابانی و بانی مرگ و خودکشی و فرار هزارها دختر و پسر نوجوان است، عامل هزاران کارتون خواب و گور خواب است. عامل تحمیل فضای قرون وسطایی و فقر و یاس و بی آینده بودن میلیونها انسان است که محاصل آن خودکشی هرروزه ۴ تا ۵ نفر در ایران است، این حکومت ضد کارگری که هیچگاه کارگر را شهروند محترم و برابر به حساب نیآورده است مسئول مستقیم مرگ بیش از ۲۵۰۰ کارگر در محل کار درطول سال میباشد. رژیمی است که حداقل ۹ میلیون نفر را از تحصیل و سواد آموزی تماماً محروم کرده است، همواره مامور سرکوب و تحقیر و اعمال بی حقوقی زنان بوده است، محروم کردن میلیونها جوان از بر خورداری از حداقل های زندگی انسانی و رفاه و تحصیل بخشی از سیاست و اهداف این رژیم بوده و هست، مسئول مستقیم ایجاد تفرقه های خرافی، ملی و مذهبی به هدف در مقابل هم قرار دادن مردم میباشد.

رژیم آشکارا دزد و فاسدی که سرانش در ابعاد میلیارد دلاری "اختلاس" میکنند و هیچ مجازاتی هم نمی شوند! دشمن مستقیم اکثریت مردم و حامی بدون چون و چرای یک مشمت دزد، آخوند و روضه خوان بی خاصیت و عقب مانده، سرمایه داران زالو صفت و مشتی مزدور و جنایتکار و انگل که زندگی و پولهای باد آورده شان نیز از قبل کار و درد و رنج کارگران و همین مردمی تامین میشود که همواره مورد سرکوب مستقیم و ستم و فشار و تحمیل فقر و گرسنگی و اعدام و شکنجه و زندان جمهوری ننگ اسلامی قرار گرفته اند. آیا جنایتهای عظیم تر و

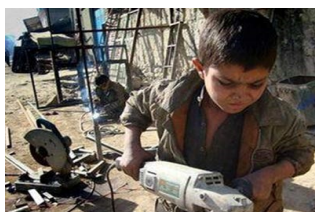
اعدام ابزار طبقه حاکمه و...

در نتیجه نه تنها نباید پرپاگانند "اعدام فاجعچیان" و متجاوز کنندگان" و دیگر زمینه سازیهای این رژیم را قبول کرد که بر عکس با نفرت عمیق از هر شکلی از اعدام باید بر خورد کنیم و خواهان لغو و پایان دادن به این مجازات ضد انسانی و توحش آفرینی جمهوری اسلامی بود.

اعدام و کشتار یک پایه و رکن جمهوری اسلامی است. این رژیم همواره با ابزار اعدام و سنکسار و سرکوب و زندان تلاش کرده است از بحران های پی در پی و انزجار عظیم اجتماعی علیه خود، خود را عبور دهد. مبارزه پیگیر و گسترده علیه اعدام و ارباب از تلاش آزادیخواهان برای خلاصی از دست این حکومت جنایتکار جدا نیست. جمهوری اسلامی با اجرای مجازات ضد انسانی و شنیع اعدام سیاست مرعوب کردن مردم و به تمکین کشاندن دهها میلیون کارگر و زن و جوان متنفر از خود را دنبال کرده و میکند.

مجرم ترین کارها از طرف خود این نظام ضد انسانی صورت گرفته و میگردد. از جمله، این حکومت دستمزد و زندگی قریب به ۵۰ میلیون کارگر و خانواده کارگری و مزد بگیران زحمتکش را کاملاً به گرو گرفته است، این حکومت بانی وجود ۶ میلیون بیکار و فاقد بیمه بیکاری و محروم از همه امکانات است، عامل سازمانیافته تحمیل حداقل ۴ میلیون انسان مبتلا به اعتیاد است، مسئول مستقیم ۲ میلیون کودکان کار و

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!



کودکان کار و خیابانی، لکه ننگی بر پیشانی کارگزاران جمهوری اسلامی

د.حقیقی

پدیده کودکان کار از پیچیده ترین مسائل اجتماعی است که از دیرباز در کشورهای مختلف وجود داشته و در دهه های اخیر به علل گوناگون افزایش یافته است.

بالا رفتن هزینه های تولید، گسترش فقر، تعمیق فاصله طبقاتی بیشتر در جامعه، افزایش بیکاری و نرخ بالای تورم و سود آوری سرمایه داران از جمله عواملی هستند که باعث شده اند تعداد کودکان کار در ایران افزایش یابد. صاحبان صنایع کوچک در این شرایط به استفاده از نیروی ارزان کار کودکان متمایل میشوند.

در ایران همچون بسیاری از کشورهای دیگر، کودکان به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با آسیب ها و مشکلات متعددی روبرو هستند. بیشترین وقت خود را در محیط های نا امن و پر مخاطره خیابانها می گذرانند و در معرض خطرات گوناگون قرار دارند. آنها از حقوق اولیه خود مانند آموزش، بهداشت و تغذیه مناسب محرومند و در همه زمینه های رشد جسمی و ذهنی و روانی محرومند و با مشکلات فراوانی مواجه هستند و از نارسایی های زیادی رنج می برند.

پرداختن به مساله کودکان کار و خیابانی به علل مختلف از اهمیت ویژه ای برخوردار است، نخست آنکه پدیده کودکان کار و خیابان صرف نظر از آمار و تعداد آنها،

خود یک مساله اجتماعی مهم و در خور توجه در جامعه است که آثار و تبعات اجتماعی متعددی را به دنبال دارد، دوم اینکه کودکان کار و خیابان از محروم ترین کودکان هستند که از بیشترین حقوق اساسی خود بی بهره اند، سوم آنکه کودکان کار و خیابان به علت شرایط زندگی خاص، منشأ بسیاری از رفتارهای نادرست و پرخطری هستند که نه تنها به خود کودک آسیب جدی می رسد، بلکه به دلیل شرایط نامطلوبی که در آن قرار داده شده اند میتواند حتی سلامت جامعه و افراد دیگر را نیز به مخاطره می اندازند.

قانون در ایران در زمینه کودکان کار و خیابانی نه شفاف است و نه چیزی مهمی در این رابطه مورد توجه قرار گرفته است. تحمیل شدن شرایط نامطلوب زندگی اقتصادی، مجبور شدن در تن دادن به کار در مراکز سخت مانند کوره پز خانه ها، ازدواج تحمیلی غیر انسانی قرون وسطی به کودکان کم سن و سال دختران همه عواملی برای باز تولید پدیده درد آور کودکان کار و خیابانی می باشد.

اصلاح و شفاف سازی قوانین کار کودکان و توجه به کنوانسیون های بین المللی در حوزه کار کودکان می تواند بستر قانونی لازم برای ساماندهی این مسئله را فراهم کند. کودکان در ایران از بیحقوق ترین و ستم دیده ترین بخش جامعه ایران هستند. شکی در آن نیست که سهم اصلی این ستم و بیحقوقی نصیب کودکان خانواده های کارگری و کم

درآمد در کل جامعه ایران است. همه ساله در سراسر ایران، صدها هزار کودک و زن برای سوء استفاده های جنسی، بردگی، فاحشهگری و یا ازدواج اجباری، خرید و فروش می شوند. هم چنین حدود سه میلیون کودک نیز به دلیل فقر خانواده هایشان، وارد بازار کار بی رحم شده اند که بخش اعظم آنان مورد سوء استفاده های مختلف از جمله جنسی نیز قرار می گیرند.

بیشتر از هشت میلیون کودک در خانواده هایی زندگی می کنند که یکی از والدین معتاد هستند. درصدی از این کودکان با خرید و فروش مصرف مواد مخدر درگیر می شوند که تا حدود یک سوم تخمین زده می شود. سن اعتیاد به ۱۲ یا برخی گزارشها به ۱۰ سال رسیده است.

یک میلیون و هفتصد هزار کودک در گروه سنی ۱۰ تا ۱۸ سال در کشور کار می کنند. در این آمار از کار کودکان در رده سنی زیر ده سال سخنی در میان نیست و این در حالی است که بسیاری بچه ها از همان خردسالی به کشاورزی و قالی بافی در شهرستانها و کار در تولیدیها و کارگاههای نیمه صنعتی در شهرها گمارده می شوند.

ماده ۸۰ قانون کار ایران، کارگرانی را که بین ۱۵ تا ۱۸ سال سن دارند کارگر نوجوان می نامد و به کارگیری آنها را مستلزم انجام آزمایش های پزشکی توسط سازمان تامین اجتماعی می کند.

ماده ۸۲ این قانون ساعات کار روزانه کارگر نوجوان را نیم ساعت کم تر از سایر کارگران منظور می کند اما نحوه استفاده از این امتیاز را منوط به توافق کارگر و کارفرما می سازد. طبق ماده ۸۴ نیز مشاغل «زیان آور از نظر اخلاقی یا سلامتی» تنها برای افراد بالاتر از ۱۸ سال در نظر گرفته می شود و تشخیص این امر هم بر عهده وزارت کار و امور اجتماعی خواهد بود.

نوجوانان با کم ترین دست مزد و بالاترین زمان با میانگین ۱۰ ساعت در روز کار می کنند. پسران عموماً در تولیدیها و کارگاههای کفاشی، آهنگری و ریختهگری، درودگری، مبل سازی، کیف دوزی، آجرپزی، نانوايي، مکانیکی و جوشکاری یا امور ساختمانی به کار گرفته می شوند. از دختران نوجوان بیش تر در بسته بندی، تولیدی های پوشاک و مواد خوراکی استفاده میشود.

کودکان باید کودکی کنند و در برابر هرگونه مغزشویی مذهبی و ایدئولوژیک از آنها محافظت شود. کودکان باید در شرایطی کاملاً انسانی و تحت حمایت کامل جامعه زندگی کنند. استفاده از بازی، آموزش و بهداشت رایگان حق مسلم کودکان است. آنها باید در رفاه و آرامش طوری بربایند که خلاقیت هایشان شکوفا شود.

عواملهای بیداری در مقابل دین

سهراب کرماشانی

درون هموارواز قیدوبند آنچه که سالها هم خود و هم دیگران را آزرده بودیم به یکباره به نقطه رهایی برسانیم تا بتوانیم در جامعه ای که در آن زندگی میکنیم هم به خودخدمت کنیم هم به دیگران.

تجربه ۳۹ ساله و تحلیلهای هزاران مقاله و کتاب در مورد جمهوری اسلامی دنیا را اشباح و دیگر تفکر و عقل قادر به کشش و تحمل ستم ها و فسادهای پیاپی این حکومت اسلامی نیست. فقط با یک نگاه به فرهنگ قمه زنی وحشیانه، که به کودکان هم رحم نمی کنند نگاهی به اندازید تا ضدیت دین با اساس انسانیت بیشتر متوجه شویم. و به یک دنیا کشتار و مصیبت و فقر و نابودی و درد و رنجی که در سایه حکومت دین به جامعه بزرگ ایران و منطقه تحمیل شده است کافی است نگاهی به اندازیم تا به تناقض پایه ای و هر روزه دین و قوانین شریعت با خوشبختی و آزادی و رفاه جامعه انسانی بیشتر پی ببریم.

بیاپید دست به دست هم دهیم و یکباره و یکصدا باحمایت از حزب سوسیالیست انقلابی ایران با اعتراضات مدنی و نافرمانی و اعتصابات کارگری پوزه استعمارگران دینی را به خاک بمالیم.

زنده باد کارگر! زنده باد روشنگری! زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران!

تماس با حزب

۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳

۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶

۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰

بدین ترتیب سران دزد و ظالم دینی حاکم بر کشور که کل ثروت جامعه را برده اند پس یک امر خدا دادی است، قبل از تولد شان این سهم "ناقابل" برایشان تعیین شده بوده و ما اکثریت مردم نیز معلوم بوده که باید گرسنه و فقیر و مطیع باشیم و این دروغها و حقه بازیهای دینی را هم بپذیریم!

بنا به حکم دینی سرنوشت آدمها قبل از تولد نوشته شده و قابلیت تغییر ندارد. اما اگرچنین است دیگر بهشت و جهنم خیالی برای چیست؟ اگر چنین است پس چه دلیلی بر اعمال وحشیانه قصاص، دست بردن و اعدام وزندان هست؟ یعنی دین در اینجا خودش ثابت میکند که چقدر بر اساس واقعیتهای موجود در دنیا و دستورات کسل کننده دینی در تناقض است و ناهماهنگی وجود دارد.

حال رسیدن به روشنبینی آنقدر سخت و غیرقابل دسترس نیست. کافیسست نگاهی کوچک به دنیایی که در آنیم بیندازیم و جهان اسلام را در نظر بگیریم و کشورهای صنعتی و غیر دینی را هم در یک نگاه کوچک در ترازوی عقل خود بگذاریم، آنوقت خواهیم دید که اختلاف پیشرفت بشر از کجا تا به کجاست و دین چگونه مانعی در راه پیشرفت و تعالی انسانها و جامعه است. یکی دیگر از راههای رسیدن به عقلانیت کنار گذاشتن احساسات کاذب است. این موضوع سبب میشود خودمحوری کاهش و درهای شنیداری بر روی سخنها و دیدگاهها بگشاییم و سرانجام راه رابسوی آزادی

سه عامل مهم که باعث بهبودی و بیداری در مقابل دین میشوند عبارتند از: میل به حرکت، صداقت درونی و روشنگرایی. اعتراف به بیماری نخستین و ازایست در جهت فرار از پناه بردن به میل به حرکت و پذیرش آن به عنوان پایه ای برای رسیدن به صداقتگرایی. از آنجا که بخش زیادی از مردم شریف و آگاه ایران به این مرحله از درک و آگاهی رسیده اند، جای هیچ شک و تردیدی نیست که راه برای حرکت به سوی مقابله با دین هموارتر شده است.

استبدادگران دینی در طول چهاردهه با نشر شعارهای مذهبی و اعمال قوانین و فرهنگ دینی از راه فشار و سرکوب و نیرنگ، اگر چه تعداد قابل توجهی را قربانی نموده است، اما همزمان آنتی تز خود را نیز در میان اکثریت مردم به جود آورده است. شعارهای مذهبی و ناتوانی و ناهمخوانی انسان با آن کمک بسیار زیادی به حل این مسئله نموده و باعث بثمر رسیدن یک رفراندوم و همه پرسی درونی شده است.

خارج شدن از لایه انکار و پذیرش واقعیتها ما را به صداقت درونی نزدیکتر کرده و بسوی تکامل و بیداری اندیشه سوق میدهد. دین همه چیز را ذاتی میداند همانگونه که رهبران خود را توانمند و پیروانش را ناتوان و مطیع. بطور کاملاً وارونه ادعا میشود که حقوق و رزق و روزی ما از جانب خدا و در همان آغاز روزهای تولدمان تعیین و تعریف شده است، نه بر اساس تواناییها و خلاقیتها و تلاش واقعی هر روزه خود انسان.

کار کودکان ممنوع!

حق هر کودک به یک زندگی شاد، ایمن و خلاق.

تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است. دولت موظف است استانداردها و واحدهای رفاه و امکانات رشد مادی و معنوی کودکان و نوجوانان را، در بالاترین سطح ممکن، تضمین کند.

کودکان کار و خیابانی، ...

اما جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه بنا به ماهیت خود میتواند داوطلبانه در چنین جهتی گام بردارد. تحقق این خواستها به گسترش جنبشهای پیشرو اجتماعی و در راس آنها جنبش کارگری گره خورده است. مطالبات مربوط به حقوق کودکان می تواند و ضروری است به بخش جدائی ناپذیری از مطالبات سراسری و رادیکال کارگران تبدیل شود.

حزب ما، حزب سوسیالیست انقلابی می کوشد جامعه ای را بنیاد نهاد که در آن همه کودکان از حق و حقوق خود برخوردار باشند و در آن خبری از کار کودک نباشد.

ما همه مبارزان را فرا می خوانیم در حزب ما که برای خوشبختی انسانها مبارزه میکنند، گرد آیند و در یک جبهه برای سرنگونی جمهوری ضد کودک و جمهوری اعدام اسلامی تلاش کنیم و برای برآورده شدن آرزوهای انسانی متحدانه قدم برداریم. به امید آرزو!

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

منشور دولت کوردستان مستقل از حزب کمونسیت کارگری کوردستان

به این دلیل که فرآیند دو سوال جدایی کوردستان و یا باقی ماندن آن در چهارچوب عراق را در برابر مردم قرار داده است، این مردم در کوردستان را بر سر یک دوراهی قرار داده است. کارگران و مردم ستمدیده و زحمتکش که از دست فدارلیزم قومی و مذهبی ارتجاعی و کهنه پرست و درگیری بین حکومت قومی-اسلامی بغداد و حاکمیت ملیشایی احزاب ناسیونالیسم گرد گرفتار اند، منفعت شان در این است که راه جدایی و ایجاد دولت مستقل را انتخاب کنند

اما این ابتدای کار و در حقیقت آسانترین قدم در ابتدای یک پروسه بزرگتر است. قدم بعدی عبارت است از پیاده کردن تصمیم مردم، یعنی اعلام استقلال. اما کار با این هم به انتها نمی رسد. به این خاطر، سوال مهم و سرنوشت ساز این است که برای تحقق و تضمین حقوق و آزادیها و رفاه مردم در کوردستان چه گونه حکومتی باید بر سر کار آید؟

پاسخ بورژوازی و احزاب ناسیونالیستی، در ماهیت، چیزی به غیر آن نیست که در مدت این ۲۶ سال از آن پیروی کرده اند. به این شیوه طبقه سرمایه دار و احزاب متعلق به آن در کوردستان امتحان خود را پس داده اند، به این خاطر سوال ابتدایی این است که آیا این شیوه از حکمرانی احزاب ملیشایی و مسلح در کوردستان مستقل هم، شایسته زندگی شهروندان و مشمول رضایت آنها هست؟ بدون شک پاسخ پیگیرانه کارگران و زحمتکشان و اکثریت بیشتر مردم کوردستان، یک نه قاطع به این سوال است. کوردستان مستقل نیازمند نوع دیگری از حکومت و اداره جامعه و دولت داری است. مردم کوردستان نباید هیچ تصمیم و اراده ای را به غیر از اراده توده ای خود را برای تعیین سرنوشت دولت و سیستم حاکمیت به رسمیت بشناسند. مردم کوردستان شایسته آن نوع از حاکمیت هستند که آزادی و رفاه آنان را متحقق کند.

آلترناتیو فوری و سراسر است حزب کمونسیت کارگری دولت سوسیالیستی است. اما حزب ما این واقعیت را فراموش نمیکند که احزاب ناسیونالیست و دسته جات اسلامی در این تاریخ چندین ساله، مردم کوردستان را بر مبنای قومیت، مذهب و عشیره و... تقسیم و دسته بندی کرده و هر کدام بخشی از این مردم را دور خود سازمان داده و مسلح نموده اند. در این شرایط ناچار کردن و پایبند کردن این احزاب و دسته جات به قوانین و پرنسیپهای دنیای مدرن و آزاد و متمدن و برپا کردن دولتی سکولار و غیر قومی و غیر دینی، حامی حقوق برابر شهروندی، قدمی مهم است در راه ایجاد زمینه برای سوسیالیسم و پیروزی بر شرایط فاجعه بار امروز. حزب کمونسیت کارگری کوردستان در راستای تضمین حقوق مردم در انتخابات آزاد و هوشیارانه سیستم حکومت آینده کوردستان مستقل، اصول زیر را به مانند میثاق دولت کوردستان مستقل رو به جامعه اعلام میکند و کارگران و زحمتکشان را فرا میخواند برای تضمین و تأمین حقوق خود در تعیین دولت مستقل به دور این پیمان نامه صف آرایی کنند. حزب کمونسیت کارگری کوردستان همراه و همدوش جمیع فعالین کارگری و انسانهای مترقی و زنان و جوانان و برابری طلبان، با تمام توان میکوشد که با حمایت نیروی توده ای مردم این پیمان نامه را

بیرحمانه ترین هجوم مواد مخدر "گل" به جوانان در شهر سنندج

شیرین اعتماد

بنظر میرسد سرکوب و زندان و امنیتی کردن هر روزه فضای جامعه سران ریز و درشت جمهوری اسلامی را راضی نگاه نمی دارد. راه های دیگری برای نابود کردن آگاهی، مبارزه و هوشیاری جامعه خصوصاً نسل جوان در دستور کار دارند. هرچند این سیاست و پدیده ویرانگر مواد مخدر "برادران قاچاقچی" تازگی ندارد، همه شهرها را تنیده است اما اکنون ابعاد به مراتب وحشتناک تری، بخصوص در شهر سنندج، به خود گرفته است.

اخیرا مواد مخدری به اسم "گل" یکی از مرگبارترین نوع مواد مخدر را وارد سنندج کرده اند. مردم این شهر هوشیار باشند و باید دولت و عاملین وارد کننده این مواد مخدر بسیار خطرناک به نام "گل" را رسوا کنیم، و اینبار اما در مقابلشان قاطعانه بایستیم. ضروری است در اشکال مختلف اطلاع رسانی شود و نسل جوان را تشویق به دوری از باندهای دولتی و غیر دولتی مواد فروش از جمله عاملین و فروشندگان بسیار بیمار فروشندگان مواد مخدری به اسم "گل" کنیم، که حقیقتاً برای از بین بردن نسل جوان گل ما وارد بازار کرده اند.

مواد مخدری که با یک بار بوکردن فرد معتاد میشود و آنقدر قوی است که اگر بدون ماسک از کنار بوته آن عبور کنید دچار توهم میشوید. همین ماده خطرناک براحتی در بین جوانان شهر سنندج توزیع شده و هر روز فراگیرتر میشود که دلیل اینکار نیز بر همگان آشکار است. علاوه بر بدست آوردن پولهای انبوه از طریق این روش کثیف ضد انسانی، اینکه جوانان ما را به بیراهه بکشاند و بدور از افکار روشن و مطالعه و تمرکز روی نکات مثبت زندگی دورشان نگاه دارند بخشی از هدف سیاسی دولت و مسئولین است. تا جوانان هرگز به حق و حقوق خود آشنا نگردند و تمامی جوانان ما را اینگونه به ورطه نابودی میکشانند. کاریکه سالهای پیش هم محمد رضا رحیمی استاندار سابق کوردستان بیشرمانه انجام داد و اینک میخواهند کاملترش کنند و بسیار وسیع و گسترده این جنایت را و قیحانه گسترش داده اند.

بباید بصورت جدی به این موضوع اهمیت داده و نگذاریم یکبار دیگر با جوانان ما که سرمایه های خوب آینده اند اینگونه ظالمانه و مودیانه برخورد شود. با افشاگری و آگاهی دادن هر چه سریعتر مانع شیوع این فریبکاری حاکمان جهل و سرمایه شویم چراکه آنچه در دنیا به حساب میآید وظیفه شناسی است و همه موظف به انجام چنین وظیفه ی هستیم. و حزب ما، حزب سوسیالیست انقلابی، بنا به وظیفه خود می خواهد در این زمینه نیز اقدام نماید. جوانان را به دوری از مواد مخدر کشنده "گل" دعوت میکنیم؛ جوانان را به روی آوری به مبارزه انقلابی و اتحاد و پیوستن به حزب سوسیالیست انقلابی دعوت میکنیم تا راه نابودی جمهوری اسلامی به عنوان عامل و بانی مواد مخدر و دیگر بدبختی ها و ستم و نابرابریهای موجود هموارتر کنیم.

یک مقام ستاد مبارزه با مواد مخدر روز دوشنبه دهم مهر از کشف بیش از ۱۰ تن انواع مواد مخدر و روانگردان طی هفته اول مهرماه خبر داد و گفت که ۷۷۲۵ تن نیز در این ارتباط بازداشت شده اند.

زنان و جوانان انقلابی به حزب بپیوندید

به اصول کردستان مستقل تبدیل کند و نهایت آزادی و رفاه و امنیت را در جامعه و همچنین بهترین شرایط را برای دخالت طبقه کارگر و توده مردم در تعیین سیستم حکومتی آینده تضمین کند.

اصول پیمان نامه دولت کردستان مستقل

- 1- تضمین دخالت و مشارکت مستقیم مردم در امور کشور و اداره جامعه
 - 2- دولت و نظام اداره جامعه باید تماماً غیر دینی و غیر قومی باشد، هر نوع کمک دولت به اشاعه هر دین و هر مذهب و دادن هر نوع مضمون و یا ارجاع مذهبی، قومی و یا ملی به قوانین ممنوع است. هر نوع ارجاع به مذهب، ملیت و قومیت شهروندان در قوانین و اوراق هویتی و اداری مربوط به آنها، ممنوع است.
 - 3- انحلال تمامی میلیشیای حزبی و مصادره امکانات نظامی و لجستیکی و مالی که تاکنون احزاب در حاکمیت بر آن چنگ زده اند، تسلیح عمومی توده سازمانیافته جهت دفاع از آزادی و برابری و مقاومت در برابر هر نیرویی که قصد تعرض به آزادی ها و حقوق مردم را دارد.
 - 4- انحلال تمامی دستگاههای امنیتی و جاسوسی کنونی احزاب حاکم.
 - 5- جدایی دین از دولت و از آموزش و پرورش. آزادی مذهب و لامذهبی.
 - 6- لغو تمام آن قوانینی که سر منشأ دینی دارند.
 - 7- اعلام آزادی بی قید و شرط تفکر، بیان، نشر، جلسه و میتینگ و اعتصاب و تظاهرات، آزادی سازمانیابی و احزاب.
 - 8- اعلام برابری همه جانبه و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق فردی و مدنی. انحلال تمامی قوانینی که منافی این اصل هستند.
 - 9- اعلام حق برابری همه جانبه شهروندان بدون در نظر گرفتن نژاد، قوم، مذهب، و دین.
 - 10- ممنوعیت بازداشت و زندانی کردن شهروندان به جرم فعالیت و اعتقادات سیاسی.
 - 11- لغو مجازات اعدام.
 - 12- دستیابی همگانی و بخصوص احزاب و سازمانهای توده ای به وسایل ارتباط جمعی و دولتی.
 - 13- پرداخت بیمه بیکاری مکفی برای تمامی افراد آماده بکار بالای 16 سال. پرداخت بیمه بیکاری مکفی و بیمه های اجتماعی کافی به تمامی کسانی که به علت بیماری و ناتوانی جسمی و کهنوت توانایی کار را از دست داده اند.
 - 14- سلامتی جسمی حق هر فرد است. هرکس حق دارد از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن خود از از صدمات و بیماری ها برخوردار گردد و از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه استفاده کند.
 - 15- برقراری رابطه آزاد و داوطلبانه جنسی حق انکارناپذیر همه کسانی است که به سن قانونی بلوغ جنسی رسیده اند، روابط جنسی داوطلبانه افراد بزرگسال با هم امر خصوصی آنهاست و هیچ مقامی حق کنکاش در آن و یا اعلام عمومی آن را ندارد. رابطه افراد بزرگسال بالای سن قانونی بلوغ، با افراد زیر سن قانونی ولو با رضایت آنها ممنوع است.
 - 16- قضات، دادگاه ها و سیستم قضایی بلحاظ حقوقی مستقل هستند. انتخاب و عزل قضات و سایر مقامات قضایی حق مردم است.
 - 17- برقراری دادگاههای ویژه ممنوع است و تمامی دادگاه ها باید علنی برگزار شود.
 - 18- همه افراد در مقابل قانون مساوی هستند. هیچ مقام یا فردی مصونیت قانونی ندارد. هر کس بی قید و شرط حق دارد علیه هر مقام دولتی در دادگاه های عادی اقامه دعوا کند.
 - 19- اصل در کلیه محاکمات بر برائت متهم است. برخورداری از امکان رسیدگی و محاکمه منصفانه حق هر فرد است. هر نوع شکنجه، ارعاب، تحقیر و اعمال فشار فکری و روانی بر افراد بازداشتی، متهمین و محکومین مطلقاً ممنوع است و مبادرت به آن جرم جنایی محسوب میشود. کسب اعتراف با تهدید و تطمیع ممنوع است.
 - 20- تصویب قانون کار پیشرو که تمامی استانداردهای جهانی را مبنا قرار دهد.
 - 21- دولت مستقل کردستان باید دوستی و همبستگی خود را با مردم عراق و همه منطقه و جهان اعلام کنند.
- حزب کمونیست کارگری کردستان تمامی کارگران و زحمتکشان و مردم آزادیخواه و همچنین احزاب سیاسی و سازمانهای توده ای و فعالین سیاسی فراخوان میدهد که برای دفاع از جامعه کردستان مستقل در برابر هرگونه سازش و معامله با حکومت قومی و دینی عراق و همچنین هر گونه دخالت دول منطقه و جهان و هم چنین برای حفاظت جامعه در برابر حاکمیت هر نوع دارودسته کهنه پرست عشیره ای، قومی و مذهبی و گانگستری سیاسی، که از این پیمان نامه پیگیرانه پشتیبانی کنند.

حزب کمونیست کارگری کردستان

سپتامبر ۲۰۱۷

ترجمه از کردی: فرزاد نازاری

مرگ و مصدومیت ۶ کارگر در سایه فقدان ایمنی محیط کار

انفجار در نزدیکی نیروگاه برق مراوه تپه ۴ مصدوم برجای گذاشت

جمعی از کارگران کارخانه «شرکت توسعه صنعت آذربایجان» که در ۲۰ ماه گذشته حقوقی دریافت نکرده‌اند، در نامه‌ای خطاب به مسئولان دولتی خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

یک حقوقدان و وکیل دادگستری می‌گوید: محیط‌های کارگاهی در ایران به صورت علمی اداره نمی‌شوند و برخی از کارفرمایان تلاش می‌کنند با ایجاد استرس و ترساندن کارگران از اخراج، بهره‌وری را آنگونه که مدنظرشان است، بالا ببرند.

نه قومی نه مذهبی، آزادی برابری



قلب محمد جراحی فعال کارگری از تپش ایستاد!

اطلاعیه شماره ۹

در کمال اندوه خبر یافتیم که قلب پر تپش محمد جراحی فعال کارگری و عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری و هم‌رمز زنده یاد شاهرخ زمانی صبح روز ۵ شنبه ۱۳ مهر ۱۳۹۶ در بیمارستان تجریش از تپش ایستاد.

محمد جراحی، سه دهه از زندگی اش را در راه مبارزه با ستم سرمایه و اعتلای جنبش کارگری گذراند و در این راه بارها دستگیر و زندانی شد که آخرین بار به مدت ۵ سال بدون حتی یک روز مرخصی در زندان بود. و همانجا بود که به علت عدم رسیدگی درمانی به بیماری مبتلا شد و پس از آزادی از زندان نیز درمانش به جایی نرسید و امروز در بیمارستان در گذشت.

محمد جراحی نمونه ای از صدها فعال کارگری بود که در راه مبارزه برای بهبود شرایط زندگی طبقه ی کارگر جان باخت. بی شک قوه قضاییه و سازمان امور زندان ها در این مرگ دخیلند و باید پاسخگو باشند. چرا که سرطان را همین ها به جان او انداخته بودند. طبقه ی کارگران ایران، کنشگری مقاوم و دلسوز را و کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری یار و هم‌رمزی باورمند را از دست داده اند.

ما این ضایعه ی اسفناک را به خانواده بزرگ جراحی و به کارگران و زحمتکشان ایران تسلیت می گوئیم. بدیهی است که یاد محمد جراحی همواره با کارگران خواهد بود و عزم هم‌رمزانش را برای رسیدن به جامعه ای عاری از ستم و برخوردار از رفاه و شایسته ی زیستن بیشتر خواهد کرد.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد
کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری
۱۳ مهر ۱۳۹۶

پیام تسلیت حزب سوسیالیست انقلابی به مناسب جانباختن کارگر مبارز محمد جراحی

با کمال تأسف صبح روز ۵ شنبه ۱۳ مهر ۱۳۹۶ قلب پاک و انسان دوستی هم‌سنگرمان، محمد جراحی، در بیمارستان تجریش از تپش باز ایستاد. محمد جراحی عضو جنبش طبقه کارگر و عضو "کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری" بود.

رفیق محمد جراحی سه دهه از زندگی اش را وقف مبارزه با ستم سرمایه داری و جمهوری اسلامی ضد کارگری و کمک به اتحاد و اعتلای جنبش کارگری نمود. در این راه بارها دستگیر و زندانی شد، که آخرین بار به مدت ۵ سال بدون حتی یک روز مرخصی در زندان باقی ماند.

به علت پیشگیری عامدانه و جنایتکارانه مقامات رژیم از مداوای به موقع او در زندان و همچنین اعمال آزار و ایجاد فشار و محدودیت مداوم، متأسفانه رفیق محمد به انواع بیماریها مبتلا گردید. از اینرو پس از آزادی از زندان نیز با آن جسم ضعیف و بیمار و آزوده دوران زندان قدرت و توان مقاومت و مقابله با بیماریهایش، از جمله با سرطان را از دست داده بود و سر انجام دیروز جانباخت.

حزب سوسیالیست انقلابی این ضایعه اسفناک را به خانواده محترم جراحی، به کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری، به هم‌رمزمان ایشان و به جنبش طبقه کارگر ایران صمیمانه تسلیت میگوید. ما همچنین درود می فرستیم به همه فعالین و شرکت کنندگان که امروز در مراسم خاکسپاری این انسان شریف و آزادیخواه شرکت نمودند.

محمد جراحی نه اولین فعال جنبش ما بوده که جانش را در راه آزادی طبقه کارگر و انسانیت فدا کرد و نه آخرین نفر هم خواهد بود. مرگ چنین فعالینی به عزم و خشم جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر علیه نظام فاسد سرمایه داری خواهد افزود.

ما با پای فشاری بر تداوم آرمان آزادی، برابری و سوسیالیسم و تلاش بی وقفه برای نابودی جمهوری ضد کارگری اسلامی سرمایه داران یاد این عزیز هم جنبشی خود را همواره گرامی خواهیم داشت!

زنده باد محمد جراحی!
مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

۱۴ مهر ۱۳۹۶
۶ اکتبر ۲۰۱۷



کارگران! حزب سوسیالیست انقلابی حزب شما است، به آن پیوندید!

در روز ۱۳ مهر به مناسبت روز معلم در دها شهر تجمعیهای اعتراضی برپا شد

گزارش تجمع سراسری 13 مهر



گزارش تصویری ۱۳ مهر



تخلیه تصاویر فعالیت آموزش و پرورش در تجمع اعتراضی فرهنگیان شیراز...
کادان کانون سنسفی مملمان
kanoonsenfi@



صبح امروز هزاران معلم بازنشسته و شاغل در پاسخ به فراخوان شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران دست به تجمع اعتراضی با محوریت " بودجه عادلانه" زدند در این تجمع که از ساعت 10 تا 12 روز پنجشنبه به طول انجامید معلمان خواستار افزایش بودجه آموزش و پرورش در بودجه سال 1397 شدند. این تجمع بصورت سراسری و در 20 استان کشور با شعارها و مطالبات یکسان برگزار شد. در پایان این تجمع سراسری قطعنامه شورای هماهنگی خوانده شد در بخش هایی از این بیانیه آمده است: ما در اینجا گرد هم آمده ایم تا به مسئولان و تصمیم سازان در ابتدای کار بگوییم «بودجه عادلانه برای آموزش و پرورش «یک مطالبه جدی و راهبردی برای تشکل های صنفی و معلمان ایران است لذا بر مبنای این خواسته اصلی مطالبات صنفی و آموزشی خود را به شرح زیر اعلام می داریم:

1. ما خواهان بودجه عادلانه، برای افزایش سرانه دانش آموزی در راستای تأمین آموزش رایگان، باکیفیت و عادلانه برای تمام کودکان بخصوص دانش آموزان مناطق محروم، بازمانده از تحصیل و مهاجر، طبق اصل 30 قانون اساسی هستیم.
2. ما خواهان بودجه عادلانه برای کیفیت بخشی به امکانات و محتوای آموزشی در کلیه سطوح آموزشی از پیش دبستانی تا متوسطه هستیم. بایستی امکانات و محتوای آموزشی با توجه به نیازهای امروز کودکان به روز گردد، به نیازهای کودکان در مناطق مختلف با توجه به تنوع جغرافیایی، فرهنگی و قومی توجه شود و طبق اصل 15 قانون اساسی زبان مادری در مناطق دوزبانه در مدارس تدریس گردد.
3. ما خواهان بودجه عادلانه در راستای پیشگیری از آسیب های اجتماعی دانش آموزان هستیم. بایستی بودجه لازم برای تأمین نیروی مشاور، مددکار اجتماعی و مربی بهداشت در راستای کاهش آسیب های اجتماعی از جمله خشونت در مدارس تأمین گردد.
4. ما خواهان بودجه عادلانه در راستای تحقق شعار روز جهانی معلم از طرف یونسکو یعنی «آموزش آزادانه، توانمندسازی معلمان» هستیم در این راستا باید نظام آموزش تربیت معلم بر مبنای آزادی و به اتکای شیوه های مشارکتی برای تربیت معلمان توانمند و قدرتمند اصلاح گردد، بایستی دوره های ضمن خدمت معلمان به صورت رایگان و با توجه به نیازهای معلمان و دانش آموزان کیفی سازی و به روز گردد.
5. ما خواهان بودجه عادلانه برای گسترش و تأمین فضاهای آموزشی استاندارد و ایمن هستیم. کلیه مدارس خشتی و گلی و کپری باید فوراً برچیده شود و بودجه به صورت عادلانه به مناطق محروم و مرزی اختصاص یابد.
6. ما خواهان بودجه عادلانه برای تأمین معیشت و منزلت معلمان بازنشسته و شاغل هستیم به طوری که حقوق هیچ فرهنگی زیر خط فقر نباشد. توجه به وضعیت بازنشستگان و همسان سازی حقوق آنان با حقوق شاغلین مورد تأکید ماست. بیش از 9 ماه است که حق الزحمه اضافه کاری معلمان پرداخت نشده است. در بودجه سال آینده بایستی دولت تمام بدهکاری های خود به معلمان و بازنشستگان را در کلیه سطوح تسویه نماید.
7. ما خواهان بودجه عادلانه برای اجرای کامل قانون مدیریت خدمات کشوری هستیم قانونی که دولت ها از 10 سال پیش تاکنون به صورت تعمدی و غیرقانونی از اجرای آن امتناع ورزیده اند.
8. ما خواهان بودجه عادلانه برای تحقق یک بیمه درمانی و تکمیلی کارآمد و جامع هستیم. از نظر ما بیمه های جامع است که پوشش بیمه های مناسبی داشته با مراکز درمانی متعدد و معتبر طرف قرارداد باشد. سقف درمان برداشته شود و برای بیمه تکمیلی بازنشستگان سقف سنی نداشته باشد.
9. ما خواهان بودجه عادلانه برای گسترش چتر حمایتی دولت از کودکان پیش دبستانی هستیم، در حال حاضر حدود 100 درصد آموزش پیش دبستانی به بخش خصوصی واگذار شده است و مربیان این دوره از امنیت شغلی و حمایت بیمه ای برخوردار نیستند.
10. ما خواهان بودجه عادلانه برای تأمین امنیت شغلی و روانی تمام معلمان هستیم. تراکم دانش آموزان در کلاس ها باعث بروز ناهنجاری و خشونت در مدرسه است. از سوی دیگر بسیاری از معلمان شاغل در بخش خصوصی، نیروهای حق التدریس و آزاد از امنیت شغلی و روانی برخوردار نیستند و خدمات بیمه ای به آنان تعلق نمی گیرد.

زنده باد مبارزه رادیکال، سوسیالیستی و ضد مذهبی فرهنگیان!

نشریه شنبه ها**منتشر میشود**

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

موازین انتشار**مقالات در نشریه****سوسیالیسم امروز:**

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
- حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلام کمک فوری خواهد کرد.



درخواست عضویت از حزب

**فرم ویژه درخواست عضویت در حزب سوسیالیست انقلابی ایران**

نام :

نام خانوادگی :

محل سکونت :

شغل :

علل پیوستن به حزب :

سابقه فعالیت سیاسی :

در چه زمینه ای علاقمند به فعالیت هستید؟

آیا کسی را در صفوف حزب می شناسید؟

تلفن :

ای میل :

اینجانب با قبول برنامه، اساسنامه، سیاست و اهداف حزب سوسیالیست انقلابی ایران، از حزب درخواست عضویت می نمایم. متعهد میشوم که منظم به حزب حق عضویت پرداخت نموده و در راستای پیشبرد اهداف حزب بطور متشکل به فعالیت خود ادامه بدهم. به حراست از امنیت و موازین و پرنسیپهای حزب متعهد بوده، و اعلام میکنم که در جهت سیاستهای حزب برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و دستیابی به یک جامعه سوسیالیستی، آزاد، برابر و مرفه با تمام توان تلاش و مبارزه نمایم.
امضا...
تاریخ...

iransocialist2017@gmail.com

آدرس مایل ارسال
درخواست عضویت

www.simroz.org



iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org



۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰ / ۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ / ۰۰۴۶۷۱۲۳۴۹۶۸۳

حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و همه ارکان مذهبیش ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

حزب سوسیالیست انقلابی را به دوستان خود معرفی کنید. در اشکال مختلف تاسیس حزب انقلابی خود و آرم و آدرسهای تماس با آن را در مراکز کارگری و میدانی شهرها و محلات بخش کنید. در هر جا که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید.

از هر راهی که از نظر امنیتی مناسبتر میدانید با حزب تماس حاصل نمایید.

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

اخراج و بیکارسازی موقوف!